

استقبال از تسلیحات نظامی

ویسنج فیساس*

در حالی که قدرت‌های بزرگ جهان هزینه‌های نظامی خود را کاهش می‌دهند این هزینه‌ها در کشورهایی با درآمد پایین یا متوسط رو به افزایش است. تنها در کشورهای آسیایی خریداری اسلحه و تسلیحات نظامی طی چهار سال دوبرابر شده است.



تانک‌ها آماده انتقال به کورستان ماشین در روکن سوسرا در آلمان.

روسیه آغاز شد. در اروپای غربی کاهش هزینه‌ها خیلی بیشتر از حد اعتدال یعنی در حدود ۱۴ درصد بود.

نکته قابل توجه دیگر این که کشورهایی با درآمد بالا میزان دستگاه‌های نظامی و هزینه‌های مربوط را کاهش می‌دهد در حالی که دولت‌هایی با درآمد پایین و یا متوسط هزینه‌ها و پرداخت‌های نظامی و تسلیحاتی خود را به ترتیب تا ۱۹ و ۱۲ درصد افزایش داده‌اند. به عنوان مثال در گروه کشورهای کم درآمد کشورهای جنوب آسیا، چین و تعدادی از کشورهای آفریقایی را می‌توان نام برد و گروه کشورهای با درآمد متوسط کشورهای مدیترانه مثل الجزایر، لبنان، سوریه و ترکیه را در برمی‌گیرد. رشد بودجه‌های نظامی نه تنها هزینه‌های مورد نیاز توسعه بشر را مصرف می‌کند بلکه موجب افزایش و تشدید خطر ناشی از به کارگیری سلاح و درگیری در بحران‌های سیاسی خواهد شد.

بسیاری از کشورها و سرزمین‌های دست‌نخورده شروع به تجدید تسلیحات نظامی کرده‌اند.

مخارج و هزینه‌های نظامی در سراسر جهان از سال ۱۹۸۸ به یک سوم قبل کاهش یافته است. در سال ۱۹۷۷ این هزینه‌ها تا مبلغ ۷۴۰ میلیارد دلار رسید (این مبلغ به طرز ناهنجاری معادل با ۲ میلیارد دلار در روز یعنی ۲/۶ درصد از GDP - تولید کلی ناخالصی داخلی - را در برمی‌گیرد که برابر است با ۳ میلیارد دلار در روز در انتهای دهه ۱۹۸۰).

روش‌های مقابله

به‌رحال اولین نکته قابل توجه این است که این کاهش (منظور تقلیل هزینه‌های نظامی است)، اساساً به دلیل گسستگی در اروپا و ایالات متحد به وجود آمده است. در حالی که اروپا با کاهش بیش از ۵۰ درصد در دهه گذشته در بالای جدول قرار دارد (رجوع به جدول)، این کاهش چشمگیر عمدتاً به دلیل تنزلی است که از سال ۱۹۹۲ در

بررسی دقیق اعداد و ارقام نشان می‌دهد که «دوران خلع سلاح» بعد از فروپاشی دیوار برلن در سال ۱۹۸۹ آغاز شد که نتایج محسوس آن آشکار شده است. تشنج‌زدایی سیاسی در میان قدرت‌ها نه تنها منجر به برقراری توافق‌هایی پیرامون انهدام و از بین بردن جنگ‌افزارها بلکه موجب کاهش هزینه‌های نظامی را در بسیاری کشورها موجب شده است.

به‌هرحال، بررسی دقیق اعداد و ارقام تصویر پیچیده و مهمل‌نمایی را از این مسئله آشکار می‌کند. این بررسی‌ها نشان می‌دهد که یک دهه بعد از شروع فرآیند خلع سلاح یک سری برخوردهای ستیزه‌جویانه که زمینه‌هایی برای خوش‌بینی فراهم می‌کرد، به وجود آمد. تلاش برای کاهش هزینه‌های نظامی در تمام کشورها یکسان نبود. مسئله هشداردهنده این است که

* حمایت از طرف صندلی صلح یونسکو و حقوق بشر دانشگاه برکلی، اسپانیا.

افلاق

در خاورمیانه به ویژه ایران، عربستان سعودی و سوریه هزینه‌ها و پرداخت‌های نظامی برای بازار پرمفعت صدور اسلحه روند رو به رشدی را دنبال می‌کردند. از طرف دیگر در افریقا فقط الجزایر و اوگاندا بودجه‌های نظامی خود را افزایش دادند و این در حالی است که حاشیه‌نشین‌های صحرای افریقا هزینه نظامی خود را تا ۶۶ درصد کاهش داده‌اند. اما جنگ‌های داخلی و کشتارهای بی‌رحمانه تماماً در دهه‌های اتفاق افتاد که بار دیگر دلیلی بر کشمکش‌های وحشیانه و کشتارهای انسانی بی‌شمار است ولی آنها معتقدند که هیچ دلیلی برای خرید تسلیحات پیشرفته و گران‌قیمت وجود ندارد. ازدیاد جنگ‌افزارهای سبک که به آسانی و با قیمت ارزان (۵۰۰ میلیون واحد پول جهانی) در دسترس و قابل حصول است به درستی در آمار هزینه‌های نظامی منعکس نشده است. کافی است خاطرنشان کنیم که ۲۰۰۰۰۰ سلاح تهاجمی با حداقل قیمت خریداری شده در یک هواپیمای جنگنده قابل حمل و جاسازی است.

ارتش کوچک‌تر و تجهیزات تازه

دگرگونی‌ها در مخارج نظامی با دو عامل عمده قابل توجه است. وسعت یک ارتش و نوع و تعداد سلاح‌هایی که مورد نیاز است. در میان قدرت‌های مهم دنیا عامل سومی هم وجود دارد که نقش مؤثری ایفا می‌کند. این عامل، هزینه تحقیقات و توسعه بخش‌های نظامی است.

آسیا قاره‌ای است که در آن رشد هزینه‌ها و مخارج نظامی در بالاترین حد خود قرار دارد. اگرچه در کشورهای هندوستان، پاکستان، سریلانکا، چین، اندونزی، ژاپن، مالزی، میانمار، سنگاپور، تایوان، تایلند و کره جنوبی تولید ناخالص داخلی درصد بسیار کمی را دربرمی‌گیرد، در سال‌های اخیر بودجه‌های نظامی این کشورها افزایش قابل توجهی یافته است. بخش مهمی از این افزایش بودجه صرف خریداری جنگ‌افزار نظامی می‌شود. (هزینه خریداری سلاح بین سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۷ دو برابر شده است). به‌رحال انتظار می‌رود که این روند در سال‌های بعد به دو دلیل کاهش یابد، یکی به دلیل بحران مالی که بر اقتصاد بسیاری از سرزمین‌ها مؤثر است و دیگری فشاری که از ناحیه صندوق بین‌المللی پول (IMF) در جهت کاهش هزینه‌های دولت، از جمله پرداخت‌های نظامی به این کشورها وارد می‌شود.

امریکای لاتین هنوز از وسوسه تجدید تسلیحات نظامی رها نشده است. هزینه نظامی در امریکای جنوبی در دهه گذشته به ویژه در برزیل، شیلی و پاراگوئه به بیش از ۱۴ درصد افزایش یافته است. خرید جنگ‌افزارهای جدید با قیمت گزاف در سال‌های اخیر افزایش یافت. امریکای مرکزی که طی چندین دهه مورد تجاوز قرار گرفته و عرصه کشمکش‌های نظامی بوده از نظر هزینه‌های نظامی یک استثناء است. در دهه گذشته امریکای مرکزی عملاً هزینه‌های نظامی خود را به دنبال نتایج حاصل از توافقات صلح به بیش از ۴۰ درصد کاهش داد.

هزینه‌های نظامی در دنیا			
(میلیاردها دلار هزینه و قیمت‌های ثابت در سال ۱۹۹۵)			
قاره	۱۹۸۸	۱۹۹۷	درصد
قاره آفریقا	۱۲/۶	۸/۸	-۳۰
شمال آفریقا	۲/۲	۳/۲	+۴۵
حاشیه صحرای آفریقا	۱۰/۴	۵/۶	-۴۶
قاره آمریکا	۴۱۰/۰	۲۹۰/۰	-۲۹
آمریکای شمالی	۳۹۰/۰	۲۶۸/۰	-۳۱
آمریکای مرکزی	۰/۸	۰/۵	-۳۹
آمریکای جنوبی	۱۹/۲	۲۱/۹	+۱۴
قاره آسیا	۹۵/۰	۱۲۰/۰	+۲۶
آسیای شرقی	۸۳/۸	۱۰۶/۰	+۲۷
آسیای جنوبی	۱۱/۲	۱۳/۶	+۲۲
قاره اروپا	۵۰۰/۰	۲۳۴/۰	-۵۳
خاورمیانه	۳۹/۶	۴۳/۳	+۹
قاره اقیانوسیه	۸/۹	۸/۸	-۱
جمع‌بندی نهایی	۱۰۶۶/۰	۷۰۴/۰	-۳۴

مرجع SIPRI (مؤسسه بین‌المللی پژوهش صلح استکهلم)
SIPRI سالنامه ۱۹۹۸، صفحه ۱۹۲.

قانون بین‌المللی برخورد با تسلیحات نظامی

۳۳ برابر بیشتر از احتمال مرگ به خاطر کشتار در جنگ‌های ناشی از تجاوزات خارجی است. قانون بین‌المللی با صراحت اعلام کرد «هر کشوری که خواستار دستیابی به تسلیحات و جنگ‌افزارهای نظامی است باید یک سری نیازها و ضرورت‌های معلوم قطعی را مدنظر قرار دهد از جمله ترویج دموکراسی، حمایت از حقوق بشر و شفافیت در هزینه‌های نظامی. بنابر اعلامیه کمیته انتقالات بین‌المللی تسلیحات نظامی موجب «به بار آوردن ناپایداری سیاسی، تجاوز به حقوق بشر، به درازا کشیدن کشمکش‌های خشونت‌آمیز و تضعیف تلاش‌های صلح‌جویانه دیپلماتیک سیاسی برای برطرف کردن مشاجرات» می‌شود.

قوانین مشابه پیرامون برخورد با تسلیحات نظامی، یا در حال حاضر موجود است یا در درون سازماندهی برای امنیت و همکاری در اروپا، اتحادیه اروپا، ایالات متحد و افریقای جنوبی پیشنهاد شده است. با بررسی سلاح‌های مرسوم و به‌ویژه تسلیحات سبک که ۹۰ درصد از کشتارها و تلفات ناشی از درگیری‌های نظامی امروز را موجب می‌شود به این نتیجه می‌رسیم که این ساخت و کارها باید ضرورتاً در سطح بین‌المللی به کار گرفته شود.

مراکز بهداشتی نیاز مبرم دارند نه به توپ و تانک و هواپیمای جنگنده». در حقیقت آمار و ارقام نشان می‌دهد که واردات تسلیحات نظامی توسط کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۹۷ سه برابر سرمایه‌ای است که برای فراهم نمودن شرایط آموزش ابتدایی کودکان این کشورها مورد نیاز است و ۱/۵ برابر هزینه‌ای است که برای فراهم آوردن خدمات اولیه بهداشتی و غذای کافی تمام مردم این کشورها مصرف می‌شود. می‌بینید که بیش از نیمی از کشورهای دنیا بیشتر از آنچه برای شرایط بهداشتی و تندرستی مردم هزینه می‌کنند صرف خرید تسلیحات نظامی می‌نمایند، ماده ۱۰ از قانون بین‌المللی برخورد با نقل و انتقال تسلیحات نظامی تصریح می‌کند که «نقل و انتقال سلاح‌های نظامی تنها زمانی امکان دارد که هزینه‌های مربوط به بهداشت و آموزش یک کشور از هزینه‌های نظامی آن بیشتر باشد».

معمولاً دولت‌ها مخارج و هزینه‌های بالای نظامی را براساس تأثیر بازدارنده و ابزاری برای تضمین امنیت شهروندان‌شان توجیه می‌کنند. اگرچه مطابق آنچه برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) اعلام کرد، احتمال مرگ ناشی از غفلت و اهمال‌کاری اجتماعی در کشورهای در حال توسعه

گمان می‌رود که تولید و فروش اسلحه در کشورها مانعی برای وسوسه تقاضای تجهیزات نظامی از کشورهای صنعتی نباشد زیرا کشورهای صنعتی این روزها تجهیزات نظامی را به جهان سوم که عرصه تاخت و تاز و جنگ‌ها و کشمکش‌های سیاسی است صادر می‌کند. در سال ۱۹۹۷ هزینه واردات جنگ‌افزارهای مرسوم توسط کشورهای در حال توسعه تقریباً به ۱۹ میلیارد دلار رسید. بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷ براساس آمار SIPRI (مؤسسه بین‌المللی پژوهش استکهلم) پنج عضو ثابت شورای امنیت سازمان ملل انتقال سلاح‌های نظامی را تا بیش از ۸۰ درصد محاسبه کردند.

در سال ۱۹۹۷ به دنبال تلاش برای وارونه کردن این رویه، کمیته برندگان جایزه نوبل صلح که از ابتکارات «اسکار آریاس» رئیس‌جمهور اسبق کوستاریکا و برنده جایزه نوبل صلح ۱۹۸۷ است، قانون بین‌المللی برخورد با نقل و انتقال تسلیحات را طراحی و به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه کرد، با امید به این که این پیشنهاد به عنوان یک پیمان‌نامه اجباری بین‌المللی موردقبول واقع شود. نظر این کمیته این بود که «کودکان ما بیش از هر چیز دیگر به مدرسه و

اسلحه‌های قانونی بر ضد سلاح‌های گرم

تعداد فزاینده دادخواهی‌ها از سوی امریکایی‌هایی که خواستار گرفتن خسارت از بنگاه‌های تجاری هستند، مواردی را که اعضای کنگره تمایلی به تصویب‌شان ندارند افزایش داده است، زیرا اغلب‌شان برای تأمین منابع انتخاباتی خود وابسته به این بنگاه‌ها هستند.

یک دادگاه فدرال نیویورک اخیراً یک کارخانه اسلحه‌سازی را مجبور به پرداخت ۴ میلیون دلار به کسی کرد که در ۱۹۹۵ طی یک حادثه تیراندازی مجروح شده بود. این تصمیم در ۱۱ فوریه ۱۹۹۹، برای نخستین بار سازندگان سلاح‌های کلت، برتا و غیره را به علت «سهل‌انگاری» در عرضه بی‌رویه این محصولات خطرناک در فروشگاه‌های نیویورک مقصر شناخت. این بنگاه‌های تجاری اسلحه به فرجام‌خواهی متوسل شدند، لکن دادخواهی‌های بسیار دیگری، برخی از سوی حکومت‌های شهری، اکنون در راه است.

سازندگان سلاح، با حمایت اتحادیه ملی و قدرتمند تفنگداران، و گروهی از دارندگان سلاح‌های گرم که تعدادشان به سه میلیون می‌رسد، با هر نوع کوشش قانونی برای محدود کردن فروش و مالکیت سلاح‌های گرم، به شدت مخالف‌اند. با این همه، میزان جنایت در ایالات متحد همچنان رقم بسیار بالایی را تشکیل می‌دهد. تعداد آدم‌کشی‌ها از ۲۴/۷۰۰ در ۱۹۹۱ به ۱۸/۲۰۰ مورد در ۱۹۹۷ کاهش یافت، اما هنوز هم در میان تمام کشورهای صنعتی از همه آنها بالاتر است.

تنها قانون ضد سلاح‌های گرم همین اواخر پس از یک مبارزه حماسی در کنگره به تصویب رسید. بنا به این قانون هر خریدار اسلحه باید پنج روز کاری در انتظار بماند تا فروشنده بتواند تحقیق کند که وی دارای سوابق جنایی هست یا نه.

دادخواهی برای گرفتن خسارت عملاً در ایالات متحد سلاح مؤثری بوده است. گروه‌های مصرف‌کننده همانند قربانیان ربوی و تأثیرات مخرب توتون، از این قانون با موفقیت بهره گرفته‌اند. این روش اکنون در کشورهای دیگر نیز باب شده است. کشورهای گواتمالا، نیکاراگوئه و پاناما اخیراً علیه کمپانی‌های تولیدکننده توتون دادخواهی کرده و امیدوارند برای کسانی که به علت استعمال آن تولیدات بیمار شده‌اند غرامت بگیرند.



پایه‌سازی جنگ‌افزارهای اتمی در آماریلو، تکزاس، ایالات متحد امریکا.

طی دهه اخیر هزینه کلی نظامی خود را افزایش داده‌اند.

هزینه پژوهش، که عمدتاً مربوط به نیروی هسته‌ای می‌شود، مبلغ ۱۴ درصد از کل هزینه نظامی ایالات متحد، ۱۱ درصد هزینه نظامی فرانسه، ۹/۵ درصد هزینه نظامی بریتانیا، و حدود ۴ درصد هزینه نظامی چین را به خود اختصاص می‌دهد. این رقم برای سوئد ۱۰ درصد و برای هند، آلمان و آفریقای جنوبی بیش از ۵ درصد است. همه این کشورها، به علاوه اسپانیا و ژاپن، بیش از ۹۰ درصد هزینه نظامی جهان را صرف پژوهش درباره جنگ‌افزار می‌کنند.

صلح چه شد؟

هنگامی که فرایند کاهش هزینه نظامی آغاز شد، هدف اصلی خلع سلاح بود تا اندوخته‌های ناشی از آن صرف توسعه و صلح شود. حاصل آن ابتکار ستایش‌آمیز چه بود؟ بنا به گزارش برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) مبلغ اندوخته شده برای صلح در کل جهان در دهه ۱۹۹۰ به ۹۰۰ میلیارد دلار رسید، اما بیشتر این اندوخته ظاهراً صرف کسری بودجه و هزینه‌های غیر توسعه‌ای شد.

ارقام بالا همچنین نشان می‌دهد که اندیشه تقسیم صلح هنوز با تبدیل شدن به پدیده‌ای جهانی فاصله زیادی دارد. متأسفانه بیشترین هزینه برای فعالیت‌های نظامی در کشورهایی صورت می‌گیرد که برای توسعه خود نیاز بیشتری به منابع دارند و اغلب هزینه‌های نظامی آنها بیش از آن مبالغی است که صرف بهداشت یا آموزش و پرورش می‌کنند (به جدول صفحه پیش نگاه کنید).

نکته قابل توجه این است که شاخص‌های عرضه شده توسط مرکز بین‌المللی بن برای تغییر برنامه تسلیحاتی (BICC) که کوشش ۱۵۷ کشور برای خلع سلاح را نشان می‌دهد، در مورد ۶۹ کشور به کلی منفی است. این واقعیت آشکار می‌سازد که هنوز چه تلاش عظیمی باید به عمل آید.

بنابر آنچه آژانس نظارت بر خلع سلاح ایالات متحد اعلام کرد تعداد کارکنان نظامی در دنیا بین سال‌های ۱۹۸۸ و ۱۹۹۵ تا بیش از ۶ میلیون نفر تنزل داشته (۲۲/۸ میلیون نفر در سال ۱۹۹۵) که این کاهش معادل ۲۰ درصد است. این ارقام به طریقی مجموع کاهش مخارج نظامی را توصیف می‌کند. به‌رحال تفاوت‌های عمده‌ای بین کشورها وجود دارد. کشورهای توسعه‌یافته نیروهای نظامی خود را تا بیش از ۳۵ درصد و کشورهای در حال توسعه به‌طور میانگین فقط ۱۰ درصد کاهش داده‌اند. کاهش تعداد نیروهای نظامی در امریکای مرکزی به میزان ۶۰ درصد، در اروپای شرقی ۴۴ درصد، امریکای شمالی ۲۵ درصد و در اروپای غربی ۱۷ درصد با کاهش بودجه نظامی در این مناطق ارتباط مستقیمی دارد. اما این امر در مناطقی مثل خاورمیانه مصداق ندارد و در آنها کاهش این نیروها با مدرن کردن ارتش‌ها و خرید تجهیزات همراه است. تعداد افراد نظامی در امریکای لاتین و جنوب آسیا افزایش داشته است.

از ۱۹۹۰ به این سو، هزینه‌های نظامی برای خرید تجهیزات دفاعی به یک‌چهارم رسیده است. در کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، هزینه خرید تجهیزات بین سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۷ به یک‌سوم کاهش یافت و به مبلغ ۹۵ میلیارد دلار رسید. این ارقام با میزان فروش یک‌صد کمپانی تولیدکننده سلاح در تضاد است که بنا به آمار SIPRI (مؤسسه بین‌المللی پژوهش صلح استکهلم)، به مبلغ ۱۵۶ میلیارد دلار در ۱۹۹۶ بوده است. سی و نه کمپانی تولید سلاح که نیمی از آنها امریکایی‌اند، فروش سالانه‌ای به مبلغ یک میلیون دلار داشته‌اند.

مؤسسه بین‌المللی پژوهش صلح استکهلم هزینه تحقیق و توسعه در سال ۱۹۹۵ را ۵۸ میلیارد دلار تخمین می‌زند که ۴۸ میلیارد دلار آن مربوط به کشورهای عضو ناتو (۳۷ میلیارد دلار فقط سهم ایالات متحد) بوده است. از ۱۹۸۹ به این سو، این گونه هزینه‌ها در بسیاری از کشورها کاهش داشته است. در این میان سه استثنای مهم وجود دارد که عبارت‌اند از ژاپن، هند و کره جنوبی، که هر سه